



۲۰۱۶/۰۳/۱۹



رسول پويان

نوروز خونين وطن

تاراج گل و قتل رياحين شده آخر
بلبل، دل آزده و غمگين شده آخر
قتل زهل و غارت پروين شده آخر
بر دار ستم لاله و نسرين شده آخر
در سينه مگر صخره سنگين شده آخر
کشت قمه و تير و تبرزين شده آخر
با خون دل غمزده آدين شده آخر
سيمرغ پر افکنده و پايين شده آخر
شهر و دمن و باديه رنگين شده آخر
با مردم ما دشمن ديرين شده آخر
تا جاني و غارتگر و بي دين شده آخر
بازيچه آمال شياطين شده آخر
خاک وطنم بشکه بنزين شده آخر
اين تجربه از خون نگارين شده آخر
گویی که همه جامعه بدبين شده آخر
آتش به ورید و به شرايين شده آخر
بيداد و ستم مشرب و آيين شده آخر
اين کاخ مگر باطل و نفرين شده آخر؟
گرچه به غلط پالش و تزئين شده آخر

نوروز وطن ماتم خونين شده آخر
کوچيده پرستوي وطن با دل پر خون
آرام نگیرد کسی در شب مهتاب
پژمرده ديگر خاطره گلشن ديروز
از عشق و وفا سوز دلي بيش نجويد
در مزرعه ميهن ما جای نباتات
نوروز که جشن گل سرخ وطن ماست
بر قله هندوکش و بابا گذری کن
در قلب وطن خنجر خونين زده دشمن
طالب شده تا ملعبه لشکر پنجاب
داعش ندارد سر سازش به کس هشدار
افسوس که خاک وطن از فتنه دوران
با توطئه و نقشه بيداد جواسيس
در چنگ تجاوز نشود ملک کس آزاد
از بس که دروغ و چم دنيا شده رایج
در جای غذا یا عوض خون و انرژی
رحمی نکند بر وطن و مردم کشور
از ارگ نخيزد به جز خائن و بيمار
حب وطن هرگز نبود در دل خائن

دامان خراسان نشود مامن ديوان
خاموش اگر آتش برزين شده آخر

1394/12/29



د پانو شميره: له 1 تر 1

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دليکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ